

# کتاب با مضمون قصه با فولکلوریک

روزنه یی جدید برای آموزش و پرورش اطفال راجع به فرهنگ مشرق زمین



اساسی آن بهتر ساختن مراحل مقدماتی آموزش انسانی میباشد. بهمین دلیل از طرف ماهرین و دانشمندان علوم مختلف چون روانشناسی، طبابت، ایکلوژی و غیره تشویق و حمایت میگردد.

جای بسیار خوشی است که چندی قبل ISHK تحت عنوان «هوپرچک» یک مجموعه یازده جلدی قصه های فولکلوریک افغانی نوشته مرحوم ادیس شاه را با ترسیم صحنه های مسلسل آن در قطع و صحافت زیبا به چاپ رسانید که بدون شک قدم مفیدی برای تعلیم و تربیه سالم اطفال در مورد فرهنگ و عنعنات افغانی است. قصه های شیرینی چون مرغ لوده، مرد بد خلق، فاطمه نخ ریس و خیمه و امثال آنها که از جمله نابترین حکایات فرهنگ ماست، با حفظ تمام جزئیات، رکتر های اصلی، پند و اندرز آن و تفصیل رسم و رواج



های باستانی افغانستان آراسته با نقاشی و رسمی رنگین صحنه های مختلف، در یک مجموعه به نشر سپرده اند. پیامد تمامی این قصه ها را صلح و برادری، اتحاد و اتفاق، منطق و برهان و مکالمه و مذاکره صلح آمیز تشکیل میدهد. ناشر این کتابها خانم «مس سلی مالم» میگوید: رسمی های کرکتر ها و صحنه های مختلف داستان ها شیوه زندگی افغانی و روند قصه ها همه مملو از مکالمات و دابلوگ های مسایل اجتماعیت. پند و اندرز حکایت ها همانا راجع به ارزش های کلی انسانیت. ارزشهای که در تمام بشریت مورد پذیرش و احترام قرار دارد. ما خواستیم با یک نیر دو فاخته را شکار کنیم، و راجع به فرهنگ غنی افغانستان و عقاید اصل و ارزشمند بشری هدیه ای برای اطفال داشته باشیم. اکثر متخصصین تعلیم و تربیه به این عقیده اند که این شیوه آموزش باعث تقویت قسمت راست مغز انسان

شده که همه پروسه های تحلیل و تجزیه مغلق و تشریح و توضیح حفظ و معلومات و برداشت و انتقاد در آن ساحه اجرا میشود. خانم مالم میفرزاید: این شیوه از یک سلسله پدیده های اجتماعی سخن میگوید و بصورت غیر مستقیم پیامهای را در مغز انسان جای میدهد که به طرق مستقیم امکان پذیر نیست، مثلاً: قصه «شیری که خود را در آب دید». اطفال به بسیار آسانی میتوانند

نیز به چاپ برسانند و به مکاتب، کتابخانه ها و دارالتیام افغانستان بفرستند. تا به حال پول کافی برای ترجمه و طرح و دیزاین آن از طرف افراد ارگان های سخاوتمند جمع گردیده است و به قول خانم مالم صرف انتظار مصارف توزیع و چاپ آنها

بفهمند که شیر از دیدن انعکاس چهره اش در آب برای اولین بار ترسیده و پیامد آن این است که باید اطفال از پدیده ای که هنوز درست آگاهی ندارند و آنها تجربه نکرده اند و نمی فهمند باید نترسند بلکه پژوهش کنند و بجویند تا بیابند. البته که این همه برای بزرگسالان نیز خالی از فایده نخواهد بود. حتی بعضی اوقات من هم حقایق و نکته های بارزی را در این قصه های شیرین در می یابم که خودم از فهمیدن آن لذت میبرم. خوشبختانه که این اقدام سودمند از طرف اطلاعات جمعی امریکا مورد توجه و

استقبال فراوان قرار گرفت. چندی قبل محفل بزرگی در کتابخانه کانگرس امریکا، بزرگترین کتابخانه دنیا، برای معرفی و ترویج این پروژه برگزار شد که بلاخره KHSI تصمیم گرفت تا این قصه ها را به زبانهای دری و پشتو



نیز به چاپ برسانند و به مکاتب، کتابخانه ها و دارالتیام افغانستان بفرستند. تا به حال پول کافی برای ترجمه و طرح و دیزاین آن از طرف افراد ارگان های سخاوتمند جمع گردیده است و به قول خانم مالم صرف انتظار مصارف توزیع و چاپ آنها

کلمه کننده مالی بیابیم، به زودترین فرصت در خدمت اطفال افغانستان خواهیم شتافت، برآستی که اطفال افغانستان آینده که امیدش را دارند، باید با چشم سر ببینند و استقبالش کنند». هنوز ضرورت خرید و فروش این کتاب ها در مغازه ها و فروشگاه های افغانی در امریکا، اروپا و کانادا موجود است. آمرین و فعالین این مراکز میتوانند با ISHK در تماس شوند و تعداد مورد نیاز خود آنرا به زبانهای دری، پشتو و یا انگلیسی بدست آرند. بدون شک که فروش آن نه تنها در تقویت و گسترش پروژه هوپرازندہ خواهد بود بلکه مهمتر از همه در قسمت پرورش و آموزش اطفال راجع به عنعنات و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی شرقی مؤثر خواهد بود. بسیاری از کتب دیگر مطبوع این مرکز توسط شرکت های بزرگ تجارتی چون «وال مارت»، «کیژر پرمنتی» و

«ایبی» در حال توزیع و تکثیر میباشد. انستیتیوت مطالعه امور بشری امید وار است تا این اقدام تعلیمی شان در قسمت پرورش سالم نسل جدید افغانستان بعد از سه دهه جنگ و غربت مفید و مؤثر ثابت شود. برای معلومات بیشتر میتوانید به صفحات انترنیتی:

www.inhk.net, www.hoopoekids.com,  
www.shareliteracy.org

مراجعه کنید و به آدرس ذیل در تماس شوید.

Hoope Books for Afghanistan ISHK  
P. O. Box 176, Los Altos, CA 94023



زارة نوري پوښ: "زه به ناسي هر بوهه له يو نايسته خوب درگرم" يا هغه د هانگوانو خنده ووتلې چې خاتنه يو يو خوب خوښ کړي او هلوږي پروږي خپل ځان له خوبونه خوښ کړي. که چې هلوږي خپل خوبونه په لاس کې واخيستل، خوبونه د هلوږي پروږونو له وريږو نه شول او د هلوږي اوږو نه واټول، او سبا د هلوږي په هلوږونو شول او د هلوږي خوبونه يې از پيدا کړه. هماغه رنگ لکه د حسن نوم چې تازه پيدا کړي وه.

پروږون وانا گشت: "من به هرکدام شما شک خوب زيا خواهم وار" او از پسرک ها خواست که خود شان خوبان را انتخاب کنند و آن ها هم انتخاب کړند. همین که آنها خوبانې را از میان لوطی با انگشت گرفتند، خوب ها از کف دست شان برآمد، از سایه بر بارو، از بارو بر شانه و از شانه بر گوش های شان پریده، مستقیم به سروهای شان راه یافت. درست همان طور که نام حسن راه یافته بود.

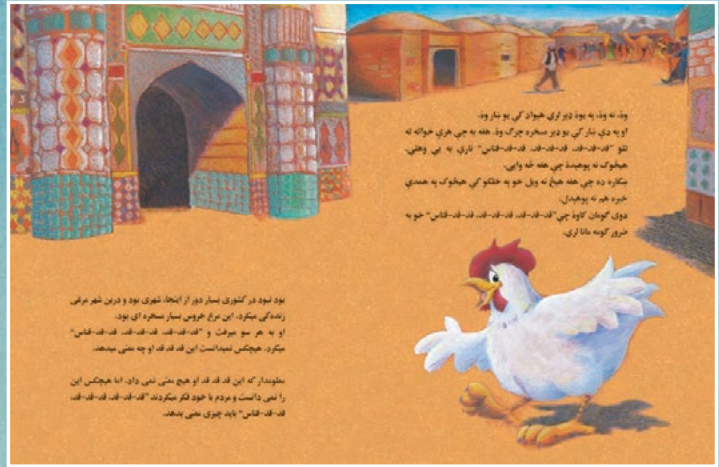


په داسې کي هلوږي خپل ځان له نايسته خوب درگرم يا هغه خاتنه د هانگوانو خنده ووتلې چې خاتنه يو يو خوب خوښ کړي او هلوږي پروږي خپل ځان له خوبونه خوښ کړي. که چې هلوږي خپل خوبونه په لاس کې واخيستل، خوبونه د هلوږي پروږونو له وريږو نه شول او د هلوږي اوږو نه واټول، او سبا د هلوږي په هلوږونو شول او د هلوږي خوبونه يې از پيدا کړه. هماغه رنگ لکه د حسن نوم چې تازه پيدا کړي وه.



زارة نوري خنده ووتلې چې خاتنه يو يو خوب خوښ کړي او هلوږي پروږي خپل ځان له خوبونه خوښ کړي. که چې هلوږي خپل خوبونه په لاس کې واخيستل، خوبونه د هلوږي پروږونو له وريږو نه شول او د هلوږي اوږو نه واټول، او سبا د هلوږي په هلوږونو شول او د هلوږي خوبونه يې از پيدا کړه. هماغه رنگ لکه د حسن نوم چې تازه پيدا کړي وه.

پروږون وانا گشت: "من به هرکدام شما شک خوب زيا خواهم وار" او از پسرک ها خواست که خود شان خوبان را انتخاب کنند و آن ها هم انتخاب کړند. همین که آنها خوبانې را از میان لوطی با انگشت گرفتند، خوب ها از کف دست شان برآمد، از سایه بر بارو، از بارو بر شانه و از شانه بر گوش های شان پریده، مستقیم به سروهای شان راه یافت. درست همان طور که نام حسن راه یافته بود.



وډه نه وډه به بوهه نوري هلوږي کي پوښک وډه او په دې ښار کي يو نوري صخره چرک وډه هغه به چې خوي خواته له تلو "ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ" تاري به يې وپلې. خټوک نه پوښېده چې هغه ښه وايي. ستاږه ډډ چې هغه خټوک نه وېل خواته کي خټوک په همدې خټو به نه پوښېدل. نوري گومان کولو چې "ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ" خو به خټو گوبه مانا لري.

يوه لوبه در گټورې ښار دور از اينجا شهری بود و درين شهر مرغی زندگي ميکرد. اين مرغ خوش سينار سخاوتمند اي بود. او به هر سو حرفت و "ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ" ميگفت. ميگفت چيکس نماندست اين ډډ-ډډ، او چه نمي مينهده.

مطوبندار که اين ډډ-ډډ، او هرچ نمي ندي وار، انا چيکس اين را نمي دانستم مردم با خود فکر ميکردند: "ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ، ډډ-ډډ-ډډ" بايد چوري نمي مينهده.